

تفسیر سوره حجرات

استاد قرائتی

جلسه دوم آیه ۲

آیه (۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید! صداهایتان را بالاتر از صدای پیامبر نبرید و همان گونه که بعضی از شما نسبت به دیگری بلند گفت و گو می کنید، با پیامبر این گونه سخن مگویید! مبدا (به خاطر این صدای بلند که برخاسته از بی ادبی شما است)، اعمال شما نادانسته نابود شود.

نکته ها:

در آیه قبل، از پیشی گرفتن بر رسول خدا در عمل نهی شد و در این آیه، شیوه گفت و گو با پیامبر را بیان می کند و می فرماید احترام پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ کنید.

در آیه ۶۳ سوره نور نیز سفارش شده که نام پیامبر را مانند نام های خودتان نبرید، بلکه با عنوان و مؤذنه نام ببرید.

حفظ عمل مهم تر از خود عمل است اعمال ما گاهی از اول خراب است، چون با قصد ریا و خودنمایی شروع می شود، گاهی در وسط کار به خاطر عجب و غرور از بین می رود و گاهی در پایان کار به خاطر بعضی از اعمال حبط می شود. به همین خاطر قرآن می فرماید: هر کسی عمل خود را تا قیامت بیاورد و از آفات بیمه کند، ده برابر پاداش داده می شود؛ (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ ...) و نمی فرماید: هر کس عملی را انجام دهد، ده پاداش دارد. زیرا میان انجام عمل در دنیا و تحویل آن در قیامت، فاصله زیادی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر ذکری درختی در بهشت کاشته می شود، شخصی گفت: پس بهشت ما درختان زیادی دارد؟! حضرت فرمود: بله، لکن گاهی گناهان و اعمالی از شما سر می زند که آن درختان را می سوزاند. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمودند. (۲۸)

قرآن تباهی و حبط اعمال را، یکجا برای کفر و شرک آورده و یکجا برای بی ادبی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس معلوم می شود گناه بی ادبی در محضر پیامبر، هم وزن گناه کفر و شرک است چون نتیجه هر دو حبط است.

بعضی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از روی بی توجهی نزد حضرت بلند سخن می گفتند، پیامبر عزیز برای آن که این صدای بلند سبب حبط اعمال آنان نشود، بلندتر از آنان سخن می گفتند. (۲۹)

یکی از یاران پیامبر که بلند سخن می گفت، همین که شنید صدای بلند سبب نابودی تمام کردار او می شود، بسیار ناراحت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صدای بلند تو برای خطابه و سخنرانی بوده است و حساب تو از دیگران جداست (۳۰)

فریاد زدن در برابر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از افراد مؤمن سبب تباهی اعمال است، اما اگر کسانی حضرت را نشناخته اند، حساب جداگانه ای دارند. زیرا در توهین، علم و آگاهی و قصد اهانت شرط است اگر ما از روزنامه ای برای کارهای ساده ای استفاده کنیم و ندانیم که در آن آیات مبارکه قرآن است، چون نمی دانسته ایم و قصد اهانت هم نداشته ایم، توهین به حساب نمی آید.

در جمله (ان تحبط اعمالکم و انتم لاتشعرون) اعمال شما نادانسته نابود می شود، نکته ای است و آن اینکه آفات و آثار سوء (و به اصطلاح آثار وضعی)، وابسته به دانستن یا ندانستن ما نیست.

آری، اگر انسان شرابی بخورد مست می شود، گرچه خیال کند آب است اگر به سیم بدون عایقی دست بزنیم، دچار برق گرفتگی می شویم، گرچه خیال کنیم برق ندارد. گناهای سبب پیدایش قحطی، زلزله، کوتاه شدن عمر، ذلت و خواری می شود، گرچه خود انسان از پیدایش این آثار خبری نداشته باشد. بنابراین بی ادبی نسبت به پیامبر، سبب تباهی عمل می شود، گرچه خود انسان آن آثار منفی را نداند.

پیام ها:

۱ برای آموزش ادب به مردم، خود ما نیز باید آنان را مؤدبانه صدا بزنیم (در این آیه خداوند مردم را با جمله «یا ایها الذین آمنوا» صدا زده است)

۲ رهبر امت اسلامی از حقوق و مزایای معنوی بالایی برخوردار است که باید مردم مراعات نمایند تا آنجا که اگر در حال گفتگو است، صدایی بالاتر از صدای حضرت نباشد و اگر حضرت ساکت است و ما مشغول سخن گفتن با او هستیم، باز هم با صدای بلند حرف نزنیم (لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی)

آری، مقام نبوت برای ما مسئولیت آور است.

۳ سفارش به احترام بزرگان، از زبان دیگری زیبا است (در این آیه، پیامبر نمی فرماید: بلندتر از من سخن نگوئید، این خداوند است که سفارش می کند که بلندتر از پیامبر صحبت نکنید) (لا ترفعوا اصواتکم)

۴ مقام و موقعیت افراد در عمل آنان اثر دارد. (جسارت از مؤمن نسبت به شخص رسول الله، حساب ویژه ای دارد) (یا ایها الذین آمنوا... ان تحبط اعمالکم)

۵ گاهی انسان ندانسته تیشه به ریشه خود می زند. (ان تحبط اعمالکم و انتم لاتشعرون)

نمونه ها

الف: پیامبر عزیز اسلام در آستانه رحلت، تقاضای قلم و دواتی کرد و فرمود: می خواهم برای شما چیزی بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید! خلیفه دوم گفت: بیماری پیامبر شدید شده و سخنانش بی ارزش است! شما قرآن دارید و نیازی به نوشتن نیست! سر و صدا بلند شد حضرت فرمود: برخیزید و بروید، نزد من فریاد نکشید! (۳۱)

مرحوم علامه سید شرف الدین (صاحب کتاب المراجعات) می فرماید: گرچه قلم و کاغذ نیاوردند و چیزی نوشته نشد، ولی ما می توانیم خط نانوشته را بخوانیم! زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هدف من نوشتن چیزی است که هرگز گمراه نشوید؛ «لَنْ تَضَلُّوا»، با کمی دقت خواهیم دید که این کلمه را بارها در جای دیگر درباره قرآن و اهل بیت بیان فرموده است که من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها را به جا می گذارم و اگر به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نشوید و آن دو چیز گرانبها قرآن و اهل بیت من هستند.

پس چون بارها کلمه «لَنْ تَضَلُّوا» را درباره قرآن و اهل بیت بکار برده اند، در اینجا نیز که فرمود: برای شما چیزی می خواهم بنویسم که هرگز گمراه نشوید، مراد آن حضرت تمسک به قرآن و اهل بیت است.

ب: همین که امام حسن مجتبی علیه السلام شهید شد و خواستند او را در کنار قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنند، عایشه جلوگیری کرد و این امر باعث بلند شدن سر و صدای مردم شد. امام حسین علیه السلام با تلاوت آیه (لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ...) مردم را ساکت کرد و فرمود:

احترام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از مرگ حضرت نیز همچون زمان حیات او لازم است (۳۲)

مقدسات در اسلام

در تمام دنیا و عقائد مختلف، به بزرگان خود احترام خاصی می گذارند. شهرها، خیابان ها، دانشگاه ها، فرودگاه ها، مدارس، مؤسسات را به نام آنان نامگذاری می کنند. در اسلام نیز افراد، ساعات و مکان ها و حتی برخی گیاهان و جمادات قداس دارند.

ریشه قداس و کرامت همه آنها در اسلام، وابستگی به ذات مقدس خداوند است و هر چه وابستگی آن به خدا بیشتر باشد، قداس آن هم بیشتر است و ما باید احترام ویژه آنها را حفظ کنیم اما مقدسات:

۱ خداوند سرچشمه قدس است و مشرکان که دیگران را با خدا یکسان می پندارند، در قیامت به انحراف خود اقرار خواهند کرد و به معبودهای خیالی خود خواهند گفت: رمز بدبختی ما این است که شما را با خدا یکسان می پنداشتیم (اِذْ تُسَوِّیْکُمْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ) (۳۳)

در قرآن سخن از تسبیح و تنزیه خداوند زیاد است، یعنی ما باید برای خدا آن احترام و قداستی را بپذیریم که هیچ گونه عیب و نقصی برای او تصور نشود. نه تنها ذات او، بلکه نام او نیز باید منزّه باشد. (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) (۳۴)

۲ کتاب خدا نیز احترام و قداست ویژه ای دارد. زیرا وقتی قرآن خود را عظیم می داند، (۳۵) پس ما باید آن را تعظیم کنیم، وقتی قرآن خود را کریم می داند، (۳۶) ما باید آن را تکریم کنیم، وقتی قرآن خود را مجید می داند، (۳۷) ما باید آن را تمجید کنیم.

۳ رهبران الهی، تمام انبیا و جانشینان بر حق آن بزرگواران به خصوص حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او، دارای مقام مخصوصی هستند که در این سوره (حجرات) پاره ای از آداب برخورد با حضرت بیان شده است: بر آنان پیشی نگیریم، بلندتر از آنان صحبت نکنیم و...

در قرآن به انسان فرمان صلوات بر پیامبر داده شده است (۳۸) البته باید به این نکته توجه کنیم که الان که حضرت رحلت کرده اند، همان احترام برای زیارت حضرت (۳۹)، جانشینان حضرت، ذریه آن بزرگوار و تمام کسانی که به نحوی به آن حضرت نسبت دارند، به خصوص علمای ربّانی و فقهای عادل و مراجع تقلید (که به فرموده روایات، این عزیزان جانشینان پیامبرند)، بر ما لازم است.

در حدیث می خوانیم: کسی که سخن فقیه عادل را رد کند، مثل کسی است که سخن اهل بیت پیامبر علیهم السلام را رد کرده باشد و کسی که سخن آنان را رد کند، مثل کسی است که سخن خدا را رد کرده باشد. (۴۰)

نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله که آنچه مربوط به انبیا است، نیز کرامت دارد. در قرآن می خوانیم: صندوقی که موسی علیه السلام در زمان نوزادیش در آن نهاده و به دریا انداخته شده بود و بعداً یادگارهای موسی و آل موسی در آن بود، به قدری مقدّس بود که برای امت بنی اسرائیل وسیله آرامش بود و فرشتگان آن را حمل می کردند. (۴۱)

۴ در اسلام والدین از کرامت و قداست خاصی برخوردارند. در قرآن پنج مرتبه بعد از سفارش به یکتاپرستی، احسان به والدین مطرح شده (۴۲) و تشکر از آنان، در کنار تشکر از خداوند آمده است (۴۳)

احترام والدین تا آنجا است که نگاه همراه با محبت به والدین عبادت است و به ما سفارش شده صدای خود را بلندتر از صدای آنها قرار ندهید، سفری که سبب اذیت آنان می شود، حرام است و در آن سفر نماز شکسته نمی شود. با والدین حَمَام نروید، با نامادری خود که زمانی همسر پدر شما بوده است ازدواج نکنید.

۵ در اسلام بعضی از زمان ها مثل شب قدر، بعضی از مکان ها مثل مسجد، بعضی از سنگ ها مثل حجرالاسود، بعضی از آبها مثل زمزم، بعضی از خاک ها مثل تربت امام حسین علیه السلام، بعضی از گیاهان مثل زیتون، بعضی از سفرها مثل معراج و سفرهای علمی عبادی کمک رسانی جهاد، بعضی از لباسها مثل لباس احرام، مقدّس است و باید برای آنها احترام خاصی را پذیرفت.

مثلاً در قرآن می خوانیم: حضرت موسی باید به احترام وادی مقدّس، کفش خود را بیرون آورد. (فَاَخْلَعَ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى) (۴۴)

مشرک حق ورود به مسجد الحرام را ندارد. (اِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ) (۴۵)

سفارش کرده هنگامی که به مسجد می روید، زینت خود را به مسجد ببرید. (خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (۴۶)

جُنُب حق توقّف در مسجد را ندارد. (وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ) (۴۷)

مسجد به قدری عزیز است که افرادی مثل حضرت ابراهیم، اسماعیل، زکریا و مریم علیهم السلام خادم و مسئول پاکسازی و تطهیر آن بوده اند. (طَهْرًا بَيْتِي) (۴۸) حتی مادر مریم در دوران حاملگی که خیال می کرد فرزندش پسر است، نذر کرد او را بعد از تولد و رشد، خادم مسجد الاقصی کند). اَنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا (۴۹)

۶ انسان با ایمان نیز دارای قداس و کرامت است، تا آنجا که آبروی مؤمن از کعبه بیشتر است و آزار و غیبت او حرام و دفاع از حق او واجب و حتی نبش قبر او بعد از مرگ نیز حرام است.

اگر نماز فردی در جایی که نماز جماعتی برقرار است، سبب تضعیف امام جماعت شود، آن نماز باطل است.

آری، ضربه به کرامت انسان، سبب بطلان نماز می شود.

۷ اسلام حتی برای بعضی از غیر مسلمانان نیز احترام خاصی قائل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین که رئیس قبیله ای اسلام می آورد، احترام او را حفظ و بر ریاستش ابقا می فرمود. حتی برای اسیرانی که از خانواده های محترمی بودند، حساب جداگانه ای باز می کرد. مثلاً برای شهربانو (دختر پادشاه ایران) و فرزند حاتم طایی سخاوتمند که اسیر شدند، حساب جداگانه ای باز کردند.

همان گونه که گفتیم، در فرهنگ همه ملّت ها مقدّساتی وجود دارد، مثلاً قانون اساسی و پرچم ملی و شخصیت های علمی، انقلابی و هنری، در نزد آنها محترم است.

البته باید از قداس های انحرافی پرهیز کرد، زیرا در طول تاریخ رندانی مثل سامری بوده اند که گو ساله هایی ساخته و برای آنها قداس جعلی قرار داده اند، چه بسیار شاهانی که دانشمندان و شعرایی را خریده و آنان را به ثناخوانی و مقدّس تراشی خود واداشته اند.

احترام گذاری اولیای الهی

اولیای خدا بیش از همه به کرامت ها و قداس ها پای بند بودند، به چند نمونه توجه کنید:

الف: تا زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بود، حضرت علی علیه السلام، به احترام آن بزرگوار خطبه نخواند.

ب: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین نماز نگاهش به دیوار روبرو افتاد که گویا اثری از آب دهان بر آن بود، کلام خود را قطع کرد و مقداری راه رفت (بدون آن که از قبله منحرف شود) و با شاخه درختی که در کنارش بود، آن اثر را محو کرد و سپس عقب عقب به جای خود برگشت و به نماز ادامه داد.

ج: امام حسین علیه السلام همین که دید برادر بزرگش امام حسن علیه السلام ۱۰۰ درهم به فقیر کمک کرد، او ۹۹ درهم کمک کرد تا حریم برادر بزرگتر را حفظ کند.

د: امام رضا علیه السلام همین که نام حضرت مهدی علیه السلام را می شنید (با این که آن حضرت هنوز متولد نشده بود) قیام می کرد.

ه: در خانه آیه الله العظمی بروجردی از مراجع بزرگ شیعیان جهان، شخصی اظهار داشت برای سلامتی امام زمان و آیه الله بروجردی صلوات بفرستید. ایشان به شدت ناراحت شد که چرا حریم افراد را حفظ نمی کنید و چرا نام مرا در کنار نام ولی عصر علیه السلام آوردید؟!

بنابراین باید توجه داشت که درجات کرامت و قداست متفاوت است و هر کس و هر چیزی به اندازه و در جایگاه خودش احترام و قداست دارد.

حبط و نابودی اعمال

آیه دوّم سوره حجرات، صدای بلند در محضر پیامبر را سبب حبط و نابودی اعمال دانست و فرمود: پاداش تمام کارهای خوب شما بدون اینکه خود متوجه باشید تباه می شود، بنابراین به جاست پیرامون حبط عمل چند کلامی بیان کنیم:

«حَبَطَ» در لغت به معنای فاسد و تباه شدن است همان گونه که غذاها و داروها، سرما و گرما، آب و آتش در یکدیگر اثر می گذارند، اعمال انسان نیز در یکدیگر اثر می گذارد. به دو مثال توجه کنید:

الف: اگر کارگری بعد از بیست سال خدمات مفید، یک روز فرزند کارفرما را بکشد، آن قتل خدمات بیست ساله او را تباه می کند، که به این تباه شدن اعمال گذشته، حبط گویند.

ب: اگر کارگری بیست سال کارفرمای خود را رنج دهد، اما یک روز فرزند کارفرما را که در حال غرق شدن است نجات دهد، این خدمت رنجهای بیست ساله را از بین می برد که به این خدمتی که بدی ها را از بین می برد، تکفیر یا کفّاره گویند.

با توجه به این دو مثال می گوئیم: مسائل معنوی و رفتار انسان نیز در یکدیگر اثر می کند. به چند نمونه قرآنی توجه کنید:

۱ کفر و ارتداد و بستن راه خدا بر مردم و ستیز با رسول خدا، سبب تباهی اعمال است (۵۰)

۲ کسانی که پیرو کارهایی هستند که خدا را به غضب می آورد و از کارهایی که خدا را راضی می کند تنفر دارند، اعمالشان تباه است (۵۱)

۳ شرک و نفاق، دنیاطلبی، کشتن انبیا و عدالت خواهان، سبب نابودی اعمال است (۵۲)

۴ منت گذاشتن بر کسی که به او کمکی کرده ایم، سبب باطل شدن عمل است (۵۳)

۵ ریا و عُجب، عبادات انسان را از بین می برد.

حبط و تباهی اعمال در روایات

اکنون به سراغ روایات می رویم تا ببینیم چه کار و عملی سبب تباهی کارهای خوب انسان می شود. در اینجا نیز مسائل اعتقادی، عبادی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و روانی، سبب نابودی اعمال معرفی شده است که ما به هر یک اشاره می کنیم؛

۱ اعتقادی: کینه و دشمنی با امامان معصوم علیهم السلام و اهل بیت پیامبر. (۵۴)

۲ عبادی: کسی که نماز خود را بدون عذر ترک کند. (۵۵) از امام پرسیدند: چرا ترک نماز را از گناهان کبیره نشمردی، ولی خوردن مال یتیم را از گناهان کبیره بشمار آوردید؟

حضرت فرمودند: کفر از گناهان کبیره است و ترک نماز کفر عملی است (۵۶)

۳ خانوادگی: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر همسری به همسرش بگوید: من از تو خیری ندیدم و از تو ناراضی هستم! اعمالش تباه می شود. (۵۷)

۴ اجتماعی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که مرده ای را با حفظ امانت غسل دهد، به عدد هر موئی از میت خداوند پاداش آزاد کردن یک برده به او عطا می کند و صد درجه به او مرحمت می فرماید.

پرسیدند: حفظ امانت در شستن مرده چیست؟ حضرت فرمودند: عورت وزشتی های او را پنهان بدارد و گرنه اجرش تباه و آبرویش در دنیا و آخرت ریخته می شود. (۵۸) (آری، این بود حفظ آبروی مرده تا چه رسد به حفظ آبروی زنده!)

۵ سیاسی: امام باقر علیه السلام درباره آیه (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ) (۵۹) یعنی هر کس به ایمان خود پشت کند (و مرتد شود)، عملش تباه است فرمودند: ایمان در بطن قرآن علی بن ابی طالب علیهما السلام است و کسی که به ولایت او کفر ورزد، عملش تباه است (۶۰) (آری، رهبری معصوم و پیروی از او، از ارکان مسائل سیاسی اسلام است)

۶ روانی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بر اساس شک و خیال خود (بدون داشتن علم یا حجت شرعی)، به پا خیزد و عملی انجام دهد، عملش تباه است (۶۱)

اکنون که اثر منفی بعضی اعمال را بیان کردیم، به سراغ اثر مثبت بعضی اعمال دیگر می رویم که انسان چگونه می تواند با اعمال خود کارهای بد را پوشاند و یا به کارهای خوب تبدیل نماید؟

در قرآن، ایمان، کار نیک، تقوی، کمک مخفیانه به فقرا، توبه، دوری از گناهان کبیره، نماز، زکات، قرض الحسنه، هجرت و جهاد، سبب عفو و بخشش گناهان و از بین رفتن لغزشها معرفی شده است (۶۲)

قرآن می فرماید: در دو طرف روز نماز به پادار، زیرا خوبی ها، بدی ها را از بین می برد. (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ) (۶۳)

به خوبی روشن است که بی ادبی به پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مقام والای آن حضرت، سبب حبط اعمال می شود،

ولی قرآن به ما سفارش کرده که نسبت به همه مردم آرام سخن بگوییم چنانکه لقمان علیه السلام به فرزندش می گوید: (وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ) صدای خود را فرو گیر و سپس صداهای غیر معروف را به صدای الاغ تشبیه کرده است (إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) (۶۴) مسئله صدای بلند (آلودگی صوتی)، امروزه (به اصطلاح عصر تمدن) یکی از مشکلات جامعه بشری است.

گاهی به اسم عروسی، گاهی به اسم عزا، گاهی در مسجد، گاهی در زمین ورزش، و گاهی در قالب خرید و فروش اجناس، آرامش را از مردم سلب می کنیم.

در حالی که تنها در چند جا اسلام حقّ فریاد زدن به ما می دهد، مثلاً: هنگام اذان آن هم با صوت خوب و بدون مقدمات ، یا زائران خانه خدا در بیابان های مکه ، همین که دیگر قافله ها و کاروان ها را می بینند، سفارش شده که با صدای بلند عبارتِ «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» را تکرار کنند.

به هر حال جز در موارد نادر و استثنائی ، ما حقّ بلند حرف زدن را نداریم ، تا چه رسد به این که این فریاد جنبه تهدیدی نیز داشته باشد که در این صورت علاوه بر مسئله بی ادبی ، ترساندن مؤمن هم خود کیفر ویژه ای دارد.